

سخن نخست

سپاس خدای را که انسان را بر دیگر حیوانات، به نعمت نطق و تفکر برتری داد و از میان انسان‌ها، پیامبرانی برگزید و با صدق در نطق، درستی در اندیشه و عمل صالح ممتازشان ساخت بر همه آنان، به ویژه بر خاتم پیامبران و اوصیای به حقش که قول و عملشان معیار رهروان راه حقیقت است، درودی فرستیم.

چگونه می‌توان از نعمت اندیشه بهره‌برداری درستی کرد تا به واقع از دیگر حیوانات برتری یابیم و مصداق «... اولئک کالانعام بل هم اضل» نباشیم؟ چگونه اندیشه درست را از نادرست تشخیص دهیم؟

منطق‌دانان، پاسخ پرسش‌های فوق را در بهره‌گیری مناسب از علم منطق می‌دانند. از این رو، در فایده‌منطق گفته‌اند کاربرد صحیح قواعد منطقی، مصونیت از خطا و کژری در اندیشه را به ارمان می‌آورد. این سخن گزاره نیست، هر چند کلیت ندارد؛ یعنی هیچ کس ادعا ندارد که منطق به تنهایی قدرت کافی برای تصحیح هر اندیشه‌ای و جلوگیری از هر کژاندیشی را به انسان می‌دهد، بلکه آگاهی از قواعد منطقی و به‌کارگیری درست آنها، تنها بخشی از نادرستی‌های اندیشه را تصحیح می‌کند و راه برون‌رفت از برخی مغالطه‌ها را پیش روی منطق‌دان قرار می‌دهد.

باید دانست علم منطق همانند هر علم بشری دیگر، پرونده‌ای گشوده دارد؛ یعنی چنان نیست که همه مسائل منطقی، پاسخ نهایی خود را دریافت کرده باشند و هیچ مجالی برای تغییر و تحول در آنها و یا در پاسخ به آنها نباشد. تاریخ علم منطق نشان می‌دهد که گاه مسئله یا مسائلی از علم منطق کنار گذاشته شده و در عوض، بعضی دیگر از مسائل برجسته‌تر شده‌اند. حتی گاهی به مسئله یا مسائلی از نو توجه جدی شده، پاسخ قبلی آنها ابطال گردیده و پاسخ جایگزینی برای آنها پیشنهاد شده است.

پس کاوش در منطق امری طبیعی است و این کاوش، مسائل منطق را پیراسته‌تر، ادله هر ادعایی را محکم‌تر و سرانجام منطق را قابل قبول‌تر می‌نماید. در این شماره از نشریه معارف عقلی، کوشیده‌ایم کاوشی جدید در بعضی مسائل منطقی داشته باشیم و کاری نو و دیدگاهی جدید به خوانندگان عزیز پیشکش کنیم.

در مقاله «نگاهی تطبیقی به احکام تحلیلی کانت و قضایای ذاتیه‌المحمول» چند نوآوری به چشم می‌خورد؛ اول اینکه کاربردهای متفاوت قضایای تحلیلی، برای نخستین بار از هم تفکیک شده است؛ دیگر اینکه موانع تطبیق قضایای تحلیلی و قضایای ذاتیه‌المحمول شناسایی شده و این موانع به شیوه‌ای علمی بر طرف شده‌اند و نوآوری مهم در تطبیق دو اصطلاح از دو فرهنگ متفاوت بروز کرده است. نگارنده مقاله «اثبات علم و نفی سفسطه» هم مدعی است نوشتار او بازسازی برهان ابن سیناست. پس نوعی نوآوری در تقریر مطلب ابن سینا عرضه شده است. در مقاله «نکاتی درباره گزاره‌های حقیقه»، نگارنده نکاتی را جمع‌آوری کرده است که گرچه بعضی از آنها در سخنان پیشینیان بوده است، ولی همه آنها به صورت یک جا پیش‌تر در کتاب یا رساله‌ای وجود نداشته‌اند. مقاله «نقد و بررسی مناظره سیرافی با متی در علم منطق» هم مشتمل بر پاسخ‌هایی بر نقدهای وارد بر علم منطق است که بعضی از آنها کاملاً تازه‌اند. نگارنده مقاله «سبکی و منطق»:

مفارقت یا مرافقت «شخصیت سُبکی را که از اندیشمندان غیر مشهور است، برجسته ساخته است تا با معرفی احوال او معلوم گردد که آیا موافق منطق است یا مخالف آن. مقاله «نقد و بررسی اقوال در سر بداهت تصویری» هم مشتمل بر نکته‌ای است بدیع و آن پرداختن به بداهت در تصورات است که کمتر در آثار منطق‌دانان گذشته بدان پرداخته شده است. در مقاله «حمله مردده‌المحمول» نوآوری‌هایی مشهود است: یکی از نوآوری‌های این مقاله آن است که مفاد این اصطلاح، گرچه با تعبیرهای دیگری در سخنان منطق‌دانان آمده است، ولی این مفاد با این تعبیر پیشینه‌ای ندارد، بلکه می‌توان آن را جدید دانست. مهم‌تر آنکه در این مقاله کاربرد این قسم قضیه، در استدلال‌های مباشر و نیز در قیاس‌های اقترانی به صورت جدید و نویی عرضه شده است.

گفتنی است از آثار قلمی خوانندگان و اندیشمندان محترم که در زمینه منطق به مطلب تازه‌ای دست یافته‌اند یا تقریر تازه و استدلال جدیدی برای مطالب منطقی دارند، استقبال می‌شود.

سردبیر



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی